

نقد رویکردهای فمینیستی در اثرگذاری بر اسناد بین‌المللی زنان

رضیه رئیسی¹

چکیده

معارف اسلامی برای تمام بشر، جایگاه و موقعیت متناسب با ایشان را در قالب احکام قابل فهم، در دسترس قرار داده است، اما عدم آشنایی و توجه انسانها به آن سبب شده تا در شناخت جایگاه هر کدام از جنس بشر دچار اشتباه شود. از این رو یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع انسانی مسئله رعایت حقوق زنان بر اساس پیشگیری از تبعیض است. با توجه به همین مبنا سازمان‌های بین‌المللی اسناد مهمی را در جهت حقوق زنان و رفع تبعیض از ایشان به تصویب رساندند. اما باز هم جریان‌های فمینیست به این مقدار راضی نشده و تمام تلاش خود را معطوف به تصویب قوانینی که شامل تساوی کامل بین زنان و مردان از هر جهت باشد، انجام داده است. لذا سوگیری‌های اسناد بین‌المللی بر پایه عقاید فمینیست‌ها کاملاً مشهود است. دستاوردهای تحقیق در این زمینه شامل موارد زیر است.

الف: دیباچه منشور حقوق بین‌الملل و ماده اول و دوم اعلامیه جهانی حقوق بشر که به تساوی حیثیت و حقوق همه افراد بشر پرداخته است

ب: ماده دوم و سوم میثاق‌نامه‌های سیاسی مدنی و میثاق اقتصادی اجتماعی فرهنگی که به عدم تمایز انسانها اشاره و دولت‌ها را موظف به رعایت تساوی تمام حقوق انسانها می‌کند

ج: ماده اول، دوم و یازدهم ضمن تاکید بر رعایت تساوی دولت‌ها را موظف به انجام اقدامات لازم می‌کند و درخواست دارد تمام تدابیر و امکانات خود را برای احقاق حقوق زنان بکار گیرند

د: در کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان که تمامی حقوق و آزادیها را برای مرد و زن یکسان می‌داند تا جایی که به انکار نقش سنتی زن نیز منجر می‌شود.

جهت گیری‌ها فمینیستها به وضوح در این اسناد قابل مشاهده است در این مقاله سعی شده است با تبیین اسناد بین‌المللی در خصوص زنان که با جهت‌گیری‌های مغرضانه جریان فمینیست، به مرحله تصویب رسیده است را مورد بررسی و نقد قرار دهد.

کلید واژگان: دیدگاه فمینیست، اسناد بین‌المللی، حقوق زنان

¹ - طلبه سطح 4، آموزش عالی امام حسین علیه السلام، گرایش فقه خانواده.

مقدمه

بدون تردید تمام انسان‌ها در پی برخورداری از نعمت‌ها و مواهب الهی هستند و رعایت عدالت در این زمینه حق همه انسان‌ها است. انسان دارای کرامت ذاتی است و این کرامت بیانگر برابری انسان‌ها در نزد خداوند متعال است که تنها یک شاخصه را برای برتری دادن برگزیده و آن هم تقوای الهی است. بعضی در مرحله فهم واژه عدالت و تطبیق آن بر جامعه انسانی، دچار شتباه شده‌اند و این مفهوم را به تساوی بین زن و مرد به تمام معنا تفسیر نموده‌اند. همین مطلب زمینه‌ی ایجاد تشکلهای زنانه و در نتیجه شکل‌گیری جریان فمینیست با ادعای دفاع از حقوق زنان را فراهم نمود. این جریان با اصرار و پیگیری در معاهدات بین‌المللی سعی نموده است تا شرایط و حقوق کاملاً مساوی برای زن تعریف نموده و در قالب معاهدات و اسناد بین‌المللی به مرحله تدوین و تصویب برساند و تمام کشورها را ملزم به اجرای آن نماید، جهت آشنایی بیشتر با سوگیری اسناد بین‌المللی از تفکرات جریان فمینیست در طول مدت زمان کوتاه و در قالب اسناد و معاهدات متنوع و مختلف، و نیز علاوه بر بررسی این موارد، لزوم نقد رویکردهای فمینیسم در اسناد بین‌المللی، انجام این تحقیق ضروری به نظر می‌رسد.

در این نوشته سعی شده است که ضمن مراجعه به منابع حقوقی مرتبط اعم از کتابخانه‌ای و دیجیتالی و نیز سایت‌های معتبر، به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است.

در زمینه موضوع این مقاله پژوهش‌هایی صورت گرفته از جمله:

کتاب با عنوان زن در اسناد بین‌الملل از خانم زهره نصرت خوارزمی در سال ۱۴۰۱ به بررسی پیچیدگی مفهومی و مصداقی پارامترهای توسعه در نگاه سازمان ملل می‌پردازد و فهمی از کنش‌های اجتماعی و سیاسی حول آن شکل می‌دهد که کمتر مورد توجه بوده است

کتاب حقوق زنان در اسناد بین‌المللی و متون اسلامی از آقای محمد احمدیان در سال ۱۳۹۸ در نشر احسان به چاپ رسیده است که در این کتاب ضمن بیان حقوق معنوی زنان، حقوق خانوادگی و نیز حقوق فرهنگی و اجتماعی زنان در سه پارامتر موثر مورد بررسی قرار داده است

همچنین در این زمینه مقاله با عنوان تاثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده از مریم غنی‌زاده بافقی و فائزه ورمزیار نوشته شده است که در آن به مبنای فکری جریان فمینیسم و نیز تقابل مفهوم خانواده با فمینیسم پرداخته است

علاوه بر این مقاله دیگر با عنوان تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای با قلم نرمین امانی صوفی دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل نوشته شده که در آن ضمن بررسی اسناد حقوقی بین‌المللی در این موضوع با محوریت محور هرگونه تبعیض علیه زنان، به مفهوم خانواده و بحران‌هایی که برای خانواده به وجود می‌آید همچنین راهبردهای کاربردی پیشگیرانه برای حفظ زن و خانواده بیان نموده است. در تحقیق پیش رو علاوه بر نقل موادی از سندهای بین‌المللی که به مبحث زنان همراه با جهت‌گیری‌های واضح فمینیستی است پرداخته می‌شود و حتی الامکان به نقد بندهای مرتبط با تساوی زن و مرد در اسناد بین‌المللی معین می‌پردازد. لازم به ذکر است این تحقیق با روش کتابخانه‌ای و به شیوه توصیفی و تحلیلی به مرحله نگارش در آمده است.

معنای واژگان مرتبط

به منظور غنای بیشتر تحقیق و فهم بهتر مخاطب معنای واژگان مرتبط بیان می‌شود.

اسناد همان معاهداتی است که حاصل توافق است و ایجاد تکلیف حقوقی را به دنبال دارد در واقع «یک توافق بین دولت‌هاست که به صورت کتبی منعقد شده و مشمول حقوق بین‌الملل باشد» (کنوانسیون حقوق معاهدات، 1969)

فمینیسم (Feminism)، (واژه ای فرانسوی و از ریشه لاتینی (Femind) است و با اندکی تغییر، در زبان‌های دیگر مثل انگلیسی و آلمانی هم به یک معنا به کار می‌رود. Feminine (فمینی) به معنای زن یا جنس مونث است. به اندیشه و نهضتی گفته می‌شود که مدافع برابری حقوق زنان با مردان در ساحت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی می‌باشد که در فارسی ممکن است از این واژه به زن سالاری، زن گرایی و... تعبیر شود. البته با پیشرفت این اندیشه، از جمله نتایج به دست آمده، تحقق و تشکیل مجموعه‌های منظم و سازمان یافته ای برای فعالیت‌های زنان است که با عناوین مختلفی؛ مانند تشکل زنان، انجمن زنان، نهضت زنان و... بروز و ظهور می‌یابد. پیشنهادی که بیش از چند صده دارد، ولی می‌توان گفت که این واژه در اواسط قرن نوزدهم میلادی به این معنا به کار رفت یعنی زنان در برابر تبعیض‌هایی که ریشه در «جنسیت» داشت و در آن زمان مطرح بود، حرکتی را با انگیزه و هدف حق‌طلبی شروع نمودند (دائرة المعارف اسلامی، <https://islampedia.ir/fa/1389/11/%D9%81%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C%D8%B3%D9%85/>)

ادعای رویکردهای فمینیستی که قائل به برابری تمام حقوق زن و مرد رفع تمام اشکال تبعیض هستند در اسناد مختلف بین‌المللی قابل مشاهده است

از جمله در دیپاچه منشور حقوق ملل متحد، کنوانسیون بین‌المللی حقوق زنان، ماده ۱۴ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر، ماده ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، هر دو میثاق نامه بین‌المللی درباره زنان در هر دو بعد فرهنگی اجتماعی اقتصادی سیاسی، اعلامیه اسلامی حقوق بشر و... در این تحقیق با نقل رویکردهای فمینیستی موجود در اعلامیه‌ها و کنوانسیون‌ها و... به نقد این موارد از نگاه اسلامی و انسانی نیز خواهیم پرداخت.

منشور ملل متحد، اولین سند بین‌المللی الزام‌آور است که از تساوی زن و مرد سخن رانده است. هیچ سند حقوقی پیش از آن، بدین شکل، برابری همه انسانها را مورد تأکید قرار نداده بود. در مقدمه منشور، به تساوی حقوق بین زن و مرد و تشریک مساعی، اشاره و برای تحقق این منظور به طور صریح بر تمایز از جهت نژاد، زبان و مذهب تکیه شده است. در بند ب ماده ۱۳ و بند ج ماده ۵۵ نیز این موضوع تکرار شده است.

الف: بررسی رویکرد فمینیستی اسناد بین‌المللی در اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)
در این اعلامیه در ماده اول و دوم آن به بیان تساوی و برابری بین همه انسانها زنان و مردان پرداخته که تأییدی بر نفوذ رویکرد فمینیستی بر اسناد بین‌المللی است
در ماده اول و دوم این اعلامیه مطالبی به این صورت بیان شده:

اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۰ دسامبر ۱۹۴۸)

ماده اول تمام افراد بشر آزاد به دنیا می‌آیند و از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند همه دارای عقل و وجدان هستند و باید نسبت به یکدیگر با روح برادری رفتار کنند
ماده دوم هر کس می‌تواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از حیث نژاد رنگ جنس زبان مذهب عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت، وضع اجتماعی ثروت ولادت یا هر موقعیت دیگر از تمام حقوق و همه آزادی‌هایی که در اعلامیه حاضر ذکر شده است بهره‌مند گردد

۲) به علاوه هیچ تبعیضی به عمل نخواهد آمد که مبتنی بر وضع سیاسی اداری و قضایی یا بین‌المللی کشور یا سرزمینی باشد که شخص به آن تعلق دارد خواه این کشور مستقل تحت قیمومت یا غیر خودمختار بوده یا حاکمیت آن به شکلی محدود شده باشد. (شهیندخت مولوردی، موازین بین‌المللی حقوق زنان، ص ۱۶)

اولاً به نظر می‌رسد نویسندگان این اعلامیه با استفاده از منابع و مبانی حقوق و با تفکر مادی که معمولاً وابسته به اموری ناپایدار و مورد اختلاف است به نگارش اعلامیه اقدام نموده‌اند. و بسیار واضح است که اگر برای تنظیم روابط حقوقی انسان‌ها به عناصر اصلی روح انسان و ویژگی‌های تکوینی انسان از جمله در باب جنسیت و تفاوت‌های زنان و مردان توجه نشود و آنچه خداوند متعال برای او در نظر گرفته فراموش شود هرگز قواعد حقوقی در عرصه نظری و عملی پیروز نخواهند شد. این ماده که به صورت یک اصل قانونی یا شبه قانونی تبعیض را به طور مطلق نفی می‌کند، بیش از یک شعار نیست، چون قابل تبیین و توجیه عقلی نیست. در رویکرد توحیدی که انواع تبعیض نفی شده است، اضافه بر استناد به کلام الهی که معتبرترین سند است، دلیل خردپسندی وجود دارد و آن اینکه چون همه انسان‌ها از یک پدر و مادر آفریده شده‌اند با هم برادرند و طبعاً در استفاده از حقوق و آزادی‌ها نیز برابر خواهند بود. (مصباح یزدی، حقوق بشر از دیدگاه اسلام، ص 87)

ب : همچنین در میثاق‌نامه بین المللی با عنوان حقوق مدنی و سیاسی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ رویکرد فمینیستی قابل مشاهده است

میثاق‌نامه بین المللی با عنوان حقوق مدنی و سیاسی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

در ماده دوم و ماده سوم این میثاق‌نامه این چنین آمده است که:

دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که حقوق شناخته شده در این میثاق را درباره تمامی افراد مقیم در قلمرو تابع حاکمیتشان بدون هیچ گونه تمایزی از قبیل نژاد رنگ جنس زبان مذهب عقیده سیاسی یا عقیده دیگر، اصل و منشا ملی یا اجتماعی ثروت نسب یا سایر وضعیت‌ها محترم شمرده و تضمین بکنند

ماده سوم دولت‌های طرف این میثاق متعهد می‌شوند که تساوی حقوق زنان و مردان را در استفاده از حقوق مدنی و سیاسی پیش بینی شده در این میثاق تامین کنند. (شهیندخت مولاوردی، موازین بین المللی حقوق زنان، ص 57 و 58)

در بخش دوم مقررات این میثاق (مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، ص 60)، مواد دوم تا پنجم قرار گرفته‌اند که شامل مقررات کلی و عمومی هستند که نسبت به تمامی مقررات مندرج در میثاق حاکم است و به نوعی با آنها مرتبط باشد. در این بخش بند 1 در ماده 2 بر تعهد دولت‌ها به اجرای حقوق مندرج در میثاق بدون تبعیض بر تمامی افراد مقیم در قلمرو حاکمیت دولت‌ها تأکید شده است و به همین نحو در بند 2 و 3 ماده مذکور نیز تأکید بر اتخاذ تأبیر قانون‌گذاری و غیر آن جهت تضمین حقوق و آزادی‌های به رسمیت شناخته

شده و میثاق و احقاق حقوق افراد است. در ماده 3 بر حقوق برابر زن و مرد تأکید شده، وبدون هیچ گونه قید یا تبصره ای ادعای جریان فمینیست را در قالب تساوی حقوق مدنی و سیاسی زن و مرد بیان کرده است. حتی بدون در نظر گرفتن اینکه آیا می توان بین تمام مردان و زنان به لحاظ ویژگیهای تکوینی، تساوی حقوق سیاسی و مدنی را برقرار کرد یا خیر.

ج : علاوه بر میثاق بین المللی حقوق سیاسی مدنی ،میثاق بین المللی دیگری با عنوان حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶ نیز تدوین و تصویب شد

میثاق بین المللی حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ۱۶ دسامبر ۱۹۶۶

در این میثاق نامه نیز به برابری حقوق زنان و مردان و تساوی این دو در همه حقوق از جمله حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی تأکید کرده است. از جمله در ماده دوم بند ۲ آمده است:

کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که اعمال حقوق مذکور در این میثاق را بدون هیچ نوع تبعیض از حیث نژاد رنگ جنس زبان مذهب عقیده سیاسی یا هرگونه عقیده دیگر اصل و منشأ ملی یا اجتماعی ثروت نسب یا هر وضعیت دیگر تضمین نمایند

و همچنین در ماده سوم این میثاق آمده است که کشورهای طرف این میثاق متعهد می شوند که تساوی حقوق مردان و زنان را در استفاده از همه حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی مقرر در این میثاق تأمین نمایند (شهیندخت مولاوردی، موازین بین المللی حقوق زنان، ص 79)

این میثاق پس از طی روند طولانی به همراه میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و پروتکل اختیاری آن در 16 دسامبر 1966 م تصویب و جهت امضای دولت ها مفتوح ماند. میثاق مذکور به دنبال تودیع سی و پنجمین سند آن در سوم ژانویه 1976 م لازم الاجرا شد (جمشید شریفیان، راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد، ص 118). بخش دوم این میثاق شامل مواد دوم تا پنجم می شود که مقرراتی را تدوین نموده که به صورت کلی بوده و نسبت به تمامی مقررات ماهوی بخش سوم اعمال می شود. مقررات این بخش عمدتاً شامل تعهدات کلی دولت ها (ماده 2 بند 1)، اصل عدم تبعیض (ماده 2 بند 2)، تساوی حقوق زن و مرد (ماده 3) و محدودیت های کلی (مواد 4 و 5) می شود. تذکر این که در این قسمت مشابه میثاق حقوق مدنی و سیاسی عمل نشده و به غیر قابل انحراف بودن برخی حقوق هیچ اشاره ای نشده است. این

میثاق هم با انتقادات جدی از جمله ابهام در تعهدات، و عدم توجه به تفاوت‌های فرهنگی و اقتصادی مواجه است.

لازم به ذکر است با توجه به اینکه در دیباچه منشور ملل متحد و همچنین در موادی از اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز در سایر مصوبات سازمان ملل و سازمان‌های وابسته، تلاش‌های بسیاری برای تحقق رویکرد فمینیستی با ادعای برابری بین زنان و مردان مشاهده می‌شود اما به این مقدار راضی نشده و صاحبان این تفکر در پی اثیرگذاری بر سایر اسناد بین‌المللی نیز هستند در این راستا و با این ادعا که پس از صدور این اسناد بین‌المللی، باز هم تبعیضات قابل توجهی علیه زنان وجود دارد اعلامیه جدید با عنوان رفع تبعیض از زن در سال ۱۹۶۸ صادر شد

این اعلامیه در ۱۱ بند به طور کامل به تمام حقوق زنان پرداخته و در همه موارد آن را مساوی و برابر با مردان قرار داده است به نظر می‌رسد فمینیستی‌ترین اعلامیه و سند بین‌المللی تا این زمان است در ادامه به بیان چند ماده در این اعلامیه به عنوان نمونه می‌پردازیم:

اعلامیه جهانی رفع تبعیض از زن (۱۹۶۸)

ماده اول - تبعیضاتی که متکی به جنسیت باشد و بالتیجه مانع برقراری حقوق متساوی برای زنان و مردان گردد و یا این تساوی را محدود نماید امری است غیر عادلانه و تجاوزی است که به حریم شان و مقام انسانیت وارد میشود

ماده دوم - تمامی تدابیر و اقدامات لازم باید برای امحای عرف و عادات و مقررات و اعمالی که نسبت به زنان جنبه تبعیض دارد و همچنین در زمینه برقراری حمایت قانونی به حد کافی به منظور اعطای حقوق متساوی به مردان و زنان بالاخص در موارد زیرین صورت گیرد

الف: اصل تساوی حقوق باید در قانون اساسی یا قوانین معادل هر یک از ممالک پیش بینی شود؛

ب: تمامی مصوبات سازمان ملل متحد و سازمان‌های وابسته در زمینه رفع تبعیض علیه زنان باید تجدید و به محض اینکه عملی تشخیص داده شود به طور کامل به مرحله اجرا در آید

ماده یازدهم: تحقق اصل تساوی حقوق زن و مرد اجرای کامل آن را در تمامی کشورها با توجه به اصول منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه جهانی حقوق بشر ایجاب می‌نماید. به این منظور به همه دولت‌ها

سازمان‌های غیر دولتی و افراد تاکید می‌شود با تمام نیرو و امکاناتی که در دسترس دارند در تحقق بخشیدن به اصول مندرج در این اعلامیه کوشا باشند (شهیندخت مولاوردی، موازین بین‌المللی حقوق زنان ص ۸۷ و ۸۸ و ۹۰) با توجه به اینکه در کنوانسیون جهانی رفع تبعیض از زنان در موارد متعدد و مختلف بر تساوی زن و مرد از همه ابعاد تاکید دارد و نیز بعضی موافقان این کنوانسیون در داخل نیز تلاش کرده‌اند که شرحی بر این اعلامیه بنویسند و در آن به صورت مبسوط به موارد تبعیض زنان و مردان در قانون اساسی ایران بپردازند (مهرانگیز کار، رفع تبعیض از زنان، ۱۳۷۸)

اما آنچه که قابل ذکر است این است که قائلین به تبعیض اولاً در تعریف این واژه دچار اشتباه شده‌اند (در برخی از کتب لغت نیز آمده «تبعیض عبارت است از: بین دو یا چند نفر مساوی، یکی یا بعضی را امتیاز دادن، رجحان بعضی بر بعض دیگر بدون مرجح» (محمد معین، فرهنگ فارسی، ص ۱۰۲۴)) ثانیاً این تفکر یعنی مساوی قرار دادن حقوق زنان و مردان حاکی از نوعی عدم واقع بینی نسبت به حقوق زنان و انطباق این حقوق با واقعیت‌های زیستی، اجتماعی و ضروری آنان می‌باشد. ثالثاً وضع مقرراتی که مصلحت اجتماعی یک جامعه ای ایجاب می‌کند، هرگز نمی‌تواند «تبعیض» به حساب آید و به عنوان مانعی بر سر راه پیشرفت تصور شود. جامعه ما اسلامی است و یکی از وظایف حکومت در این گونه جوامع، ایجاد زمینه پیشرفت و تکامل واقعی آحاد شهروندان. تکامل و سعادت واقعی در نظر اسلام، عمل به دستورات الهی، اعم از انجام واجبات و ترک محرمات است. با توجه به این که اختلاط زن و مرد، به خصوص در مراکز تفریحی و ورزشی، دارای مفاسد و ناهنجاری‌های اجتماعی است که می‌تواند مانع تکامل و رسیدن به سعادت واقعی انسان گردد، وظیفه حکومت چاره اندیشی برای مقابله با این ناهنجاری‌هاست. بنابراین، جداسازی زن و مرد در مراکز این چنین، نه تنها به زیان افراد و جامعه نیست، بلکه می‌تواند به عنوان یکی از عوامل مهم پیشرفت جامعه به حساب آید. (لطف الله سجادم‌نش، فصلنامه معرفت، شماره ۳۶)

یکی دیگر از اسناد مربوط به زنان که رویکرد فمینیستی به وضوح در تمامی مواد آن قابل مشاهده است کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ است. که در مقدمه این کنوانسیون، با تاکید بر اینکه تلاش‌هایی برای رفع تبعیض علیه زنان و همچنین اعلام تساوی تمامی حقوق و رفع تمایزات بین زنان و مردان انجام شده است، اعلام می‌دارد که با وجود همه این موارد باز هم تبعیض‌هایی علیه زنان وجود دارد که با این ادعا و نیز بیان نگرانی برای زنان به لحاظ امکان دسترسی به مواد غذایی بهداشتی تحصیلات آموزش و

امکانات اشتغال و... و نیز بیان ضرورت اینکه توسعه هر کشوری مستلزم حضور فعال زنان هست و برای دستیابی به این مهم بایستی تغییر در نقش سنتی زنان و مردان داده شود به بیان توافقات کنوانسیون می‌پردازد به نظر می‌رسد این کنوانسیون گوی سبقت را در زمینه رویکرد فمینیستی از سایر رقیبان ربوده و نهایت تلاش خود را برای اثبات و اجرای تساوی بین زنان و مردان انجام داده است

این کنوانسیون توافقات خود را در ۲۹ ماده که در همه مواد به تساوی حقوق زن در ابعاد مختلف از جمله آموزش اقتصاد فرهنگ سیاست مجازات و... بیان نموده است

در ادامه به بیان اولین ماده از این سند می‌پردازیم:

کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹

به عنوان نمونه در بند ۱ این چنین آمده است

عبارت تبعیض علیه زنان در این کنوانسیون به هرگونه تمایز استثنا محرومیت یا محدودیت بر اساس جنسیت که نتیجه یا هدف آن خدشه‌دار کردن یا لغو شناسایی بهره‌مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی مدنی یا هر زمینه دیگر توسط زنان صرف نظر از وضعیت زناشویی ایشان و بر اساس تساوی میان زنان و مردان اطلاق می‌گردد (شهیندخت مولوردی، موازین بین المللی حقوق زنان ص ۹۵-۹۶)

ماده اول در این علامیه یک ماده توصیفی است. که در آن زمان، تعریف واژه تبعیض به لغو هرگونه تمایل یا محدودیتی که بر اساس جنسیت برای زنان به وجود آید و به نوعی از هر عاملی که از بهره‌مندی یا اعمال حقوق بشر و آزادی‌های اساسی در زمینه‌های سیاسی و فرهنگی اقتصادی اجتماعی و مدنی زنان بکاهد منع شده است

بنابراین ماده مزبور به طور ضمنی با تمام قوانین متفاوت زنان و مردان مخالف است حتی قوانین حمایتی خاص را که به سود زنان است نیز ملغی می‌کند و اساساً نه تنها جنسیت را به عنوان متغیری در قوانین قبول ندارد بلکه حتی موقعیت زنان در زناشویی را که به جنس برمی‌گردد نیز نادیده می‌گیرد از نظر فمینیست‌ها مونث بودن و زنانگی جنسیت است و ساختار جنسی زن مثل قدرت باروری، به جنس تعلق دارد و بقیه نقش‌های زنانه به جنسیت تعبیر می‌شود گاه از نظر آنان جنسیت در فرایند اجتماعی شدن به زنان تعلیم

می‌گردد، و آنها را در نقش‌های سنتی منحصر می‌گرداند یعنی به جز مسئله بارداری زایش و شیردهی و بقیه آنچه نقش زنان تعبیر شده مثل مادری واقعاً نقش منحصر به فرد زنانه نیست.

در ماده دوم متقاضی گنجاندن اصل مساوات به معنای تشابه میان زنان و مردان در قانون اساسی و سایر قوانین مربوطه در کشور است اختلاف کنوانسیون با موازین فقهی، بر دو نوع است: مسائلی که در فقه شهرت دارند و مسائلی که کمتر مد نظر قرار می‌گیرند (همانند موضوع لعان و مختص بودن حکم آن به مرد و حرمت ابدی مترتب بر آن که با ماده 1، 15 و 16 کنوانسیون در تعارض است) (مسعود راعی، زنان؛ اسناد حقوق بشر و موازین فقهی، مجله رواق اندیشه 1383 شماره 36) و طبعاً با تمام مواردی که حقوق متفاوت برای زن و مرد در قوانین ما منظور شده مخالف است از جمله در باب قوانین کیفری ملی قانون مجازات اسلامی در باب دیه در باب شهادت و قصاص و مخالفت دارد

جمع بندی:

از جمع بندی مطالب بیان شده چنین به دست می‌آید که با توجه و بر طبق مطالعات انجام شده به نظر می‌رسد داعیان رویکرد فمینیستی در اسناد بین‌المللی ابتدا به صورت مختصر و کوتاه یا در مقدمه اسناد مثل دیباچه منشور ملل متحد و بعد از آن به صورت واضح‌تر به بیان عقاید فمینیستی و اعمال آن در اسناد بین‌المللی می‌پردازند این افراد به گونه‌ای هنرمندانه و حساب شده در طول مدت مشخص به زعم خودشان به دفاع از حقوق زنان پرداخته و کم‌کم عقاید مسئولین بین‌المللی را به سمت ادعای خودشان تغییر داده و توانستند در مواد مختلف اسناد بین‌المللی تاثیرگذار باشند

تا جایی که به بیان تساوی حقوق زن و مرد در مقدمه اعلامیه (منشور ملل متحد) یا به بیان یک یا دو ماده در یک اعلامیه (اعلامیه جهانی حقوق بشر) قانع نشدند و پا را فراتر از این گذاشتند و در اسناد بین‌المللی به صورت واضح و آشکار به بیان تساوی حقوق زن و مرد در همه ابعاد و همه جزئیات حتی تا انکار نقش سنتی و... پیش رفتند. تا جایی که با تشکیل و صدور کنوانسیون رفع تمامی اشکال تبعیض علیه زنان ۱۹۷۹ مدعیان این رویکرد آنچه در ذهن داشتند را به صورت سند درآوردند و به جهانیان دیکته کردند. البته مورد استقبال همه کشورها قرار نگرفت.

فهرست منابع

قرآن کریم

1. احمدیان، محمد، حقوق زنان در اسناد بین‌المللی و متون اسلامی، نشر احسان، ۱۳۹۸
2. راعی، مسعود، زنان؛ اسناد حقوق بشر و موازین فقهی، مجله رواق اندیشه 1383 شماره 36
3. خرم، سید علی، منشور حقوق بشر اسلامی (چالش‌ها و راهکارها)، به اهتمام دکتر محمدحسین مظفری، ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام، تهران، 1389 ش
4. کار، مهرانگیز، رفع تبعیض از زنان: مقایسه کنوانسیون رفع تبعیض از زنان با قوانین داخلی ایران، ناشر: شرکت نشر قطره، سال چاپ: 1378
5. - سجادمنش، لطف الله، فصلنامه معرفت، شماره 36.
6. شریفیان، جمشید؛ راهبرد جمهوری اسلامی ایران در زمینه حقوق بشر در سازمان ملل متحد/ تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه، چاپ اول 1380،
7. غنی‌زاده بافقی، مریم و فائزه ورمزیار، تأثیر جنبش‌های فمینیسم بر تحول مفهوم خانواده
8. مصباح یزدی، آیت الله محمدتقی، نگاهی گذرا به حقوق بشر از دیدگاه اسلام، تدوین و نگارش عبدالحکیم سلیمی، قم انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چاپ سوم زمستان ۱۴۰۲
9. معین، محمد، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران، امیر کبیر، 1360، ج 1، ذیل واژه «تبعیض»
10. مولاوردی، شهیندخت، موازین بین‌المللی حقوق زنان، دانشگاه تهران موسسه انتشارات، چاپ سوم 1396
11. مهرپور، حسین، نظام بین‌المللی حقوق بشر، انتشارات اطلاعات، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷
12. نرمین امانی صوفی دانشجوی دکترای حقوق بین‌الملل، تحول حقوق زنان و خانواده در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای، 1401
13. نصرت خوارزمی، زهره، زن در اسناد بین‌الملل، سال ۱۴۰۱
14. کنوانسیون حقوق معاهدات، 1969
15. <https://fa.wikifegh.ir/>
16. دائره المعارف اسلامی
<https://islampedia.ir/fa/1389/11/%D9%81%D9%85%DB%8C%D9%86%DB%8C%D8%B3%D9%85/>
17. متن کامل اعلامیه قاهره درباره حقوق بشر در اسلام THE CAIRO DECLARATION ON HUMAN RIGHTS IN ISLAM

